

الحمد لله رب العالمين

عبادت بجز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاد و رافق نیست

تقدیم به برادرزاده عزیزم

خیر نیک اندیش دکتر محمود ترابی

گمانہ ماو حکایتہای اخلاقی و دلنشین

شامل صد احادیث اخلاق و عرفان و اشعار ناب

حکایاتی کہ گاہ ہمراہ ما رویدہای زیبای رشتہ انسان کہ اشکر نامہ گز و گاہ با بخند ملیح کہ ترنم زندگی اش نامند

بہ ہمراہ روحیات و خاطراتے بند آموز زندگے

نویسنده: علی ترابیان پور

سرشناسه: ترابیان پور، علی، ۱۳۳۳
عنوان و نام پدیدآورنده: نامه‌ها و حکایت‌های اخلاقی و دلنشین: شامل صدها حکایت اخلاقی و عرفانی
واشعار/ب/تهیه و تالیف علی ترابیان پور.
موضوعات نشر: قم: انتشارات آثار دانشوران / ۱۳۹۷
شخصیات ظاهری ۲۲۴ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۷۵-۶۶-۲
وضعیت فهم دست‌نویسی: فها
موضوع: حکایت‌های اخلاقی
موضوع: داستان‌های فارسی اخلاقی - مجموعه‌ها - داستان‌های آموزنده فارسی - شعر فارسی
رده بندی کنگ: ۱۳۹۷. ۴ ت ۲۴۹/۵ BP
رده بندی دیویی: ۶۸
شماره کتابشناسی: ۵۱-۳۹۸

دفتر مرکزی:

قم: خیابان ار / آیت‌الله رزق‌دس طبقه آخر - پلاک ۱۷۶

تلفن ۰۲۸۱۳۷۸۳۲۷۰۷ فکس ۳۷۸۳۲۸۰۷



نامه‌ها و حکایت‌های اخلاقی و دلنشین

مؤلف: علی ترابیان پور..... ناشر: آثار دانشوران

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان..... تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۷.. چاپخانه: زمزم

تماس با مؤلف: ۰۹۱۳۳۶۴۱۳۹۳

فهرست مطالب

۱۵	 مقدمه
۱۹	 تقدیم به گرامرین حاکم اوقات عمرم
۲۱	 حل مشکل
۲۵	 رهایی از دنیا
۲۵	 المنه الله که در میکده باز است
۲۶	 نامه ای است به یکی از علمای کاشان
۲۸	 آهنگ ما و من
۲۸	 نامه ایست به محضر یکی از علما در روز غدیر
۳۰	 یا هو
۳۲	 نامه ایست در جواب نامه یکی از دوستان
۳۲	 جواب نامه یکی از دوشیزگان اهل دل
۳۴	 قبله عشق
۳۴	 نامه به یکی از دوستان و اهل قلم
۳۴	 جواب نامه به یکی از دوستان
۳۸	 قناعت و صبوری
۳۹	 التماس ابلیس به موسی علیه السلام
۳۹	 خویبهها نتیجه تماس با خدا
۴۰	 چراغ از بهر تاریکی نگهدار

- ۴۰ خواب محتشم
- ۴۱ نام و نشان
- ۴۱ پاسخ یک نامه از یک دختر در گنبد سبز مشهد
- ۴۳ جواب نامه یکی از دوستان که اظهار مشاوره ای کرده اند.
- ۴۴ جواب نامه یکی از دوستان درباره حافظ
- ۴۵ شراب و محانی
- ۴۶ جواب نامه یکی از دوستان که خدا رحمت کند او را.
- ۴۷ مسافرت
- ۴۸ حکایاتی بر ریه‌ها از حاج ملا محمدی سبزواری
- ۴۹ حکایت مار در حجله عیسی و دال
- ۴۹ اندر حکایت شاه نعمت الله علی
- ۵۰ مادر دهر اگر مرد نزاید چه عجب
- ۵۰ تعدد زوجات پیامبر
- ۵۱ شعر خواندن روستایی
- ۵۱ دانه بی دام
- ۵۲ توبیخ امام حسن علیه السلام توسط امام علی علیه السلام
- ۵۲ حکایت وفای شیر
- ۵۳ ما آبروی فقر و قناعت را نمی‌بریم
- ۵۴ گرگ و میش
- ۵۴ لذت خدمت به خلق
- ۵۲ سیاست و تدبیر امیر کبیر
- ۵۵ ماتم سرا
- ۵۵ استخاره مرگ بار
- ۵۶ سر می‌دهیم سر نمی‌دهیم
- ۵۶ یکاش چند کبوتر وحشی داشتیم و کباب می‌کردیم
- ۵۷ ملازمت پیر مغان



۵۷	 به حضرت عباس نمی‌خواهم به جهنم بروم
۵۸	 احکام عیسی
۵۸	 راه آشتی با خدا را نندیدیم
۵۹	 گناه بد نکنید
۵۹	 هیچ دردی چو تهیدستی برای مرد نیست
۶۰	 بعضی وقت ها ما انسانها هم باید دقت کنیم و زبان حیوانات را بدانیم
۶۰	 بیخوش انسان بیایی نمی‌رسد
۶۱	 نجات یافتن مرد گنهکار به خاطر خدمت به یتیمان
۶۲	 اشعار از علیرضا شیدای کاشانی
۶۳	 ما به تو فرزندان دادیم تو او را دوستی
۶۴	 واعظ به منبر آمد و پیچوده ساز داد
۶۵	 درباره شیخ بهایی
۶۶	 رباعیات شیخ بهایی
۶۸	 دعای حضرت ابراهیم علیه السلام به زناکاران و اعتراض خدا
۶۹	 حکایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و مهمان نوازی
۷۰	 آیا با این آب می‌شود وضو ساخت
۷۰	 دستگیری ز خلق
۷۱	 شیخ بهایی با هنرش آبروی شاه عباس را خرید
۷۲	 شیخ بهایی و علم تعبیر خواب
۷۲	 تعبیر خواب و رویاء
۷۲	 لبخند آیت الله بهجت
۷۲	 جواب سوال آقای بهجت در خواب
۸۱	 نغمه های توحید تو را نفریبد
۸۲	 درفش کاویان
۸۲	 مرگ الاغ در پی مرگ صاحبش
۸۴	 وسعت رزق

- ۸۴ زیر کی موشها
- ۸۵ هدیه به اندازه محبت
- ۸۶ پیشگوی حکیم ابوالقاسم فردوسی
- ۸۷ دختران را هم جنگ است و جدل با مادر
- ۸۸ لیلی و مجنون
- ۸۸ روایت حار، مشکل از شاه اولیا
- ۸۹ نر بد
- ۸۹ بی شرف از نبی
- ۹۰ پیش ما سرستگان مسجده خانه یکیست
- ۹۰ حکایت ابراهیم شبان
- ۹۱ وقتی کار بسته شود
- ۹۱ با جوانان ناز کن با ما چرا
- ۹۲ اکسیر اعظم
- ۹۲ کاش خانه به خاتون فرود می آمد
- ۹۳ استخاره مرگ بار
- ۹۴ چرا موی سر زود تر از موی ریش سفید می شود
- ۹۴ عمرها پس بگذرد در زحمت بسیار خواهی
- ۹۴ یادداشت و کتابت کنید
- ۹۵ صاحب سگ را صدا بزنید
- ۹۵ علم محو نه نحو
- ۹۶ احادیث قدسیه که به حضرت داود وحی شد
- ۹۷ اشتیاق خداوند به کسانی که به او پُشت کرده اند
- ۹۷ روشن از ماه شود شام سیاهی گاهی
- ۹۷ آیه الکرسی
- ۹۸ در احادیث قدسی که به حضرت عیسی وحی شد
- ۹۸ در احادیث قدسیه که از طرف خداوند به عیسی وحی شد

از طرف خداوند به حضرت عیسی وحی شد.....	۹۹
علامت عاقل.....	۱۰۰
پیری رسید.....	۱۰۰
گزینه ها در ازدواج انسانیت است.....	۱۰۰
با اوقات تلخی با مرگ روبه رو نشوید.....	۱۰۱
مرشد بایزید بسطامی که بود.....	۱۰۲
توبه سی به هزار بار و هوش سگ.....	۱۰۲
ای گناه آلود از فرمان یزدان سر میپنج.....	۱۰۳
اکسیر اعظم.....	۱۰۳
زیارت که یک حرفه نمیشود.....	۱۰۴
هرجا چراغی به نور حسین روشن شد آنجا حریم امام حسین است.....	۱۰۵
هیچ کس از گردش ایام شیرین تر نیست.....	۱۰۶
حکایت مروت یک مست.....	۱۰۶
حکایت آشیخ حسن و علی گندابی.....	۱۰۷
دکتری که عاشق پرستار بود.....	۱۰۸
مکتبی سازنده تر از مکتب اسلام نیست.....	۱۰۹
حمله گرگ و توقف آن با صلوات.....	۱۰۹
حلوای طن ترانی تا نخوری ندانی.....	۱۱۱
کراماتی از سید عبدالله فاطمی شیرازی.....	۱۱۲
طواف خسته دلی کن که کعبه خود سنگی است.....	۱۱۳
اگر پدرم برگشت من مسلمان می شوم.....	۱۱۴
باز هم از سید عبدالله فاطمی.....	۱۱۴
شیری به دزد ها حمله کرد.....	۱۱۵
گهر آبروی خلق مبر آگه باش.....	۱۱۵
سوختن صورت در رویا و آثار آن در بیداری.....	۱۱۶
من چیزی را از شما دریغ نکردم.....	۱۱۷

- ۱۱۷..... بخاطر دوری از گناه خداوند بصیرتم داد
- ۱۱۸..... در جوانی پاک چون میثم تمار باش
- ۱۱۹..... امشب به رئیس پاسگاه بگو به دادت برسد
- ۱۲۰..... پس ر آن سگ‌ها را چه کسی از تو دور کرد
- ۱۲۱..... خواهی این پند ز من بشنو و خواهی بفکن
- ۱۲۲..... چگونه سگ گله مرگ صاحبش را در بیابان به خانواده اش اطلاع داد
- ۱۲۳..... از حبه احادیث قدسیه که به حضرت ابراهیم وحی شد
- ۱۲۳..... تو مال خود را برای پنهانان تسلیم کردی
- ۱۲۴..... رفتیم و پای سرد با داشتیم
- ۱۲۴..... ای بی‌انصاف‌ها
- ۱۲۶..... بابا دلم خوب شد
- ۱۲۷..... احادیث قدسیه که به حضرت ابراهیم وحی شد
- ۱۲۸..... گفت کار شرع کار درهم و دینا نیست
- ۱۲۸..... جرقه شقیق بلخی از اینجا زده شد
- ۱۲۹..... در فضیلت و حقیقت خواب
- ۱۳۱..... کاروان عمر
- ۱۳۱..... علامه طباطبایی و حوریه - حقیر و حوریه
- ۱۳۴..... حتی حیوانات هم از دروغ ناراحت می‌شوند
- ۱۳۶..... اندر حکایت بایزید
- ۱۳۷..... میثم تمار باش
- ۱۳۷..... ریشه همه ی آفت‌ها در پرورش غلط است
- ۱۳۷..... فرزند دل‌بندم پاره ی جگرم
- ۱۴۰..... پارسایی در عبا و سبحه و دستار نیست
- ۱۴۰..... نامه ای دیگر از مولف
- ۱۴۱..... نامه ای دیگر
- ۱۴۲..... کردیم هر گناهی و ز کرده غافلیم

هیچ کس بی اوستا چیزی نشد.....	۱۴۳
حکایت علی صابونی و رضا شاه.....	۱۴۴
از شراب مفت مستی و قضاوت می کنی.....	۱۴۵
پول را به آن پدرسوخته ها بده معافش می کنند.....	۱۴۶
تو آنها را می کشی.....	۱۴۷
مصیبت به این ناحیت رسیده.....	۱۴۸
می کشی دسری ستمانی.....	۱۴۸
ایر خرده من های سفر را ببر برای همسایه ها.....	۱۴۹
التماس گریه برای نجات بچه هایش.....	۱۵۰
هیچ آلوده دامی به مادرش نیست.....	۱۵۲
سگ وفا دار.....	۱۵۲
حکمت لقمان برای فرزند.....	۱۵۳
شیخ بهایی و مقدس اردبیلی.....	۱۵۴
ابیاتی پراکنده در اشعار.....	۱۵۴
می و مستی.....	۱۵۵
معرفی شیخ بهائی از زبان علامه مجلسی.....	۱۵۷
طوقی از زر همدم زنجیری از فولاد شد.....	۱۵۷
تا خدا هست و گناه هست، در توبه باز است.....	۱۵۸
انسان باید عاطفه داشته باشد.....	۱۵۹
لذت فقر از حریم شاه نتوان یافتن.....	۱۶۰
رسوایی به خاطر دوستی مال.....	۱۶۱
ناگهان بانگی برآمد خواجه مُرد.....	۱۶۱
احادیث قدسی که به داوود علیه السلام وحی شد.....	۱۶۱
زمیهن چراغ دلم روشن است.....	۱۶۲
حضرت عیسی علیه السلام با حواریون.....	۱۶۲
خداوند و رحم بر پیران.....	۱۶۳

- چشم زخم حق است و حقیقت دارد..... ۱۶۳
- توبه کن گر زده سر از تو گناهی گاهی..... ۱۶۴
- اگر همه دارایی ام را به دکتر ها بدهم به فقرا نمی‌دهم..... ۱۶۵
- دیدار ملک‌الموت با حضرت موسی علیه السلام..... ۱۶۵
- همه زیر چتر خداوند ستارالعیوب زندگی می‌کنیم..... ۱۶۶
- کیما..... ۱۶۶
- رب خوب است ولی ریشه دینداری نیست..... ۱۶۶
- ستم و ستم کار سحر از استاد جلال الدین همایی متخلص به سنا)..... ۱۶۷
- اون قدیما..... ۱۶۸
- نامه ای است به یک دوست..... ۱۷۰
- جواب نامه یکی از دوشیزان..... ۱۷۱
- دل را بها و قدر بود تا شکسته است..... ۱۷۴
- حسن و حسین علیهما السلام..... ۱۷۴
- رهایی از آتش..... ۱۷۴
- ما هر دو شیشه بودیم..... ۱۷۵
- تا کی یوسف را یاد می‌کنی..... ۱۷۵
- نفرین نکنید..... ۱۷۶
- ای داوود برگرد..... ۱۷۶
- رحمت پروردگار عالم شامل همه است..... ۱۷۶
- او مرا در امتحان مردود کرد و زود رفت..... ۱۷۷
- پذیرش توبه حتی در زمان مرگ..... ۱۷۷
- خوش رفتاری با والدین..... ۱۷۷
- پاداش صبر بر مصیبت..... ۱۷۸
- خوشی دنیا زود گذر و فانی است..... ۱۷۸
- برگرد می‌دانم که روزی خواهی آمد..... ۱۷۸
- شکایت حضرت ابراهیم علیه السلام از سارا به خداوند..... ۱۷۹

دستور مسواک زدن به پیروان.....	۱۷۹
ذکر صلوات و فضیلت آن.....	۱۷۹
سخنان آیاتی از قرآن با خداوند.....	۱۸۱
غار تگر خزان.....	۱۸۲
اگر اسم من را روی کاشی بنویسید کمک می کنم.....	۱۸۲
جوانمردی گم نشده است.....	۱۸۳
بعضی از علما ما را مردم آزاری است.....	۱۸۴
بترس از تیرگی.....	۱۸۶
عاشقان مهدی.....	۱۸۶
مردان خدا.....	۱۸۸
با عرض تسلیت و تبریک.....	۱۸۸
داماد خوب است اما برای ایستادن در مسجد.....	۱۸۹
کوی مغان است اینجا.....	۱۹۰
از رامهر دست زپا افتاده گیر.....	۱۹۰
افکار امیر کبیر.....	۱۹۱
حکایت خوش خلقی از زبان سعدی.....	۱۹۲
گفتگوی دختر با پدر.....	۱۹۲
ترا بین که ز بیچاره چاره می خواهی.....	۱۹۳
استخاره خوب و مرگ بار.....	۱۹۴
علیرضا شیدا شیدای زمانه.....	۱۹۵
وای به حالت اگر اهل مدارا و مهربانی و نوع دوستی نیستی.....	۱۹۶
اشعار علیرضا شیدا.....	۱۹۶
بام رویا.....	۲۰۰
تک بیتی هایی از شیدا.....	۲۰۱
قصّاب کاشانی.....	۲۰۱
برگزیده ی اشعار قصاب کاشانی:.....	۲۰۲



- ۲۰۲.....ابیاتی پراکنده از قصاب کاشانی:
- ۲۰۳.....بابا قربانی
- ۲۰۳.....سنگ حادثه
- ۲۰۴.....محمد وارسته کاشانی
- ۲۰۵.....ابیاتی از محمد وارسته شاعر کاشانی
- ۲۰۷.....مسکن مسکین
- ۲۰۷.....ملا مخلص اصفهان از شاعران اهل بیت
- ۲۰۹.....ابیاتی از ملا مخلص اصفهانی
- ۲۰۹.....عشق
- ۲۱۰.....صائم کاشانی شعری بلند و آهسته از کاشان
- ۲۱۰.....اشعاری از صائم کاشانی
- ۲۱۱.....طبع خدا داد
- ۲۱۱.....چشم اهورایی
- ۲۱۱.....بهاره شیدا (سایه) شاعره‌ی کاشانی

اشعار بهار • شیدا

- ۲۱۳.....چشمه دل
- ۲۱۳.....محمد اخوان شاعر خوش قریحه‌ی کاشانی
- ۲۱۴.....اشعار محمد اخوان (سرشار)
- ۲۱۵.....دستور العمل شعری آیت الله سید احمد کربلایی (تهرانی)
- ۲۱۶.....رضا شاه و انصاف
- ۲۱۶.....باید از این خاکدان گذشت
- ۲۱۷.....بدگویی خانم‌ها از شوهرانشان
- ۲۱۹.....حرف آخر
- ۲۲۰.....منابع
- ۲۲۶.....دیگر آثار و تألیفات نویسنده:

این که با نامت جهان آغاز شد دفتر دوم هم به نامت باز شد

درویدی که رازنده در کتاب بر اوراق تاریخ چون مشک ناب

درویدی که گوینده را دارم ثمر ریخشد از شاخسار گرم

صفحات تاریخ همگان را عبرت است هر که در آن یک بیندیشد موعظت یابد. تلخ و شیرین گذشته تاریخ آینه عبرت اهل تذکر و بینش است و بینش مایه بصیرت است. از آستان حضرت حق مسئلت دارم که حقیر را به راه راست و راستی در گفتار کردار و درستی در رفتار و هدایت قلم مدد فرماید چون اوست که تیرها به خواهش های اجابت بخاند و کمان اراده ها به آماج اصابت نازل گرداند و هو حسبی و نعم الوکیل.

اگر بی انصاف نداند که انصاف چیست انصاف داند که بی انصاف کیست

حقیر عاصی روسیاه عاجز فاجر مستغرق بحر معاصی لایق اینگونه محبت نبوده ام که نامم و کلامم در لابه لای تاریخ که شناسنامه و سرمایه ملت هاست اوراق سفید آن را سیاه و سیاه نماید.

این شگفتی بین که چون دمساز گردد سرنوشت

عاجزی را در شمار مردمی دانا برد

چه کنم نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم

متحیرم که ایزد سبب چه کشت مارا

ولی گاهی عرض می‌شود کیمیا داری که تبدیل کنی. حضرت حق زیباست و همه آفریده‌های او زیبایند.

چرخ با این اختران نغز و خوش زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی
در خزانه اسرار خداوند زشت و زیبا باهمند و هر سرّی که مخلوق خدا باشد زیباست و
راجمیل و شما خواننده عزیز و مهربان که در پی حقّی، حق زیباست هرچند در لباس فقر و
فخر باشد. هر کسی که با فقرا نزدیک اند. این حقیر سراپا تقصیر درد طلبتان را
خریدارم به بهای طقت و عقیده ام. اگر در خطایم کلمات و و مطالبی دور از شأن و آداب
معمول مشاهده می‌آید یا به خصال نیک مروّت ببخشای زیرا که تو مخلوق خالق
بخشنده و کریمی که ریش ناساهی.

و یا در طرز گفتار و بیانم

اگر در لفظ من دیدی قصوری

که میرقصم به آهنگ زمانم

مگو از فهم کوتاهست قصوری

همه چیز را نمی‌شود در هر زمان بهشتی با بهشتی نوشت زیرا قدما نیز گفته اند سر سبز،
زبان سرخ را می‌دهد بر باد. اما آنچه حقیر در این دفتر به تحریر درآورده ام مصداق این بیت
است:

آنچه من از بزم شوق آورده ام دانی که چیست

یک چمن گلستان اله یک خُمخانه می

محبت و استقبال مشتریان و خوانندگان و جویندگان دُر و جواهرات عالمی و عرفان از
کتاب‌های حقیر سبب گشت تا این جلد نیز به سبک همان‌ها تنظیم گردید. حکایت و
داستانهای کوتاه و عبرت آموز از هر کجا اشعار و مطالب در لباس نظم‌ی زیبا و همگان پسند
اخلاقی و تاریخی به زیور طبع ثبت گردد و زیرا تمام نیرو و نیروی محرکه این کار به عین
وطن تاریخی و پُرآوازه مان در لوح دلمان نقش بسته و تا مرگ حُب آن جا در گنجینه ی خانه
دل خسته دلان دارد.

از بیابان کوه اگر بیرون به باران می‌رود از دلم حُب وطن با تیر باران می‌رود

بر حقیر فرض است که دینم را به جناب آقای موسی رمضان پور مدیر انتشارات آثار دانشوران که در انتشار متون اسلامی و عرفانی از بدو تاسیس تا کنون متحمل زحمات و مجاهدت‌های فراوان گشته‌اند و صبور و قانع و مقاوم در سنگر نشر علم و دانش کشور همچون کوه استوار و ثابت بوده‌اند تشکر و قدردانی به عمل آید. مخصوصاً که چاپ و انتشار مجموعه اشعار سهراب بنام «وخدایی که در این نزدیکیست» نیز توسط این انتشارات به چاپ رسیده موفقیت‌آمیز و روزی ایشان را از درگاه خداوند متعال خواستاریم. هو ارحم الراحمین.

کتاب پیش رو بسته بندی خاص و موضوعات هماهنگی ندارد که انتظار وصل و ربط آنها به یکدیگر را داشت. داستانها، حکایت‌ها طوری بدون هیچ پیوستگی مستقلاً آورده شده تا خوانندگان عزیز و گرامی از هر کجای که بخواهند آغاز نمایند.

ساده ترین هدیه که بر دودن نوانی، حسیه، ز آن چه در دسترس تُست همانا سخن است لقمان حکیم در نصیحت فرزند خود میگوید پسرک من هرگاه مردم به حُسن کلام خود مباحثات کنند تو به سکوت خویش مفتخ باش. بند قلم به فرزندش سکوت را بر لبان حقیر مهر کرد الا اینکه قاضی خود مخاطبان می‌باشند مهم حقیر:

زمانه بوته ی خاری از درشت خویی توست اگر شوی از ملایم جهان گلستان است
از ویژگی خاص این کتاب که بر حُسن و زینت آن افزوده و منتهای صنعتی در آن کم رنگ تر گشته حکایت‌های واقعی زندگی حقیر عاصی روسیاه در پُررنگ تر و بیشتر آورده شده و تصویری از پدر حقیر که با اُمی بودنش، استادی و تربیت مرا در معرفت حق عی‌عده دار بودند، به آن اضافه شده به علاوه تصویری چند از عارفان و مردان بزرگی که حکایت از زبان و قلم آنهاست زینت بخش تصویرها گردیده تا اسباب لذت و قرائت فاتحه و رفع خستگی عزیزان خواننده شود.

هرکجا پای گذارد رد پای دارد

ادمی در همه احوال چو دزد شب برف

گذشت زمان را قضاوت در تاریخ است و تاریخ را گنجینه اعمال بشریت در تصویر

اگر درست نبود این مسیر از آن برگرد

بیا و راه محبت بگیر چندین روز

فصل پائیز فصل عاشقان و غوغای پرندگان عاشق در انتظار فصل سرد زمستان که
سردی هوا به هم نزدیکشان می‌کند تا در بر هم فرو روند.

زمستان سال ۱۳۹۷ علی ترابیان پور

خاک اَقْدَم متبرک پویندگان وادی طلب معرفت

با دلالت خلق را سوی ضلالت می‌کشی ای مبلغ گر ندانی شیوه ی ارشاد را

تقدیم به گرامی‌ترین حاصل اوقات عمرم

تقدیم به گرامی‌ترین حاصل اوقات عمرم سه هدیه ی رحمانی رحمت آفریدگار رحمان
مریم، مرجان و صدف ترابیان پور

که خالق دادار کائنات مر بنده ی خویش را منت نهاد و از جمیع خصال نیکو و زیبا
آفریدشان تا شکرانه شکرش ز هزار افزون گردد و روانش شاد مادر مهربان و معلم نمونه
دبیرستان های بادرود همسر و مادر سه گانه فرزندان **مرحومه زهره حقیقی** که در خاک
آرمیده و نظارگر اعمال فرزندان است. و رحمت زبانی که ذکر جمیلش را به ما آموخت
تا در نعمت ها و رحمت زبانمان اینگونه مترنم گردد

احسان ترا شمار نتوانم کرد

من بی تو دمی قرار نتوانم کرد

یک سکر تو از هزار نتوانم کرد

گر بر تن من زبان شود هرمویی

و یادی شود از سومی که رویاست و در رویاها به دنبالش در آسمان بودیم در زمین
یافتمش چه آنکه در کنارش بستری مناسب مهیا و در همراهی اش با حق این آثار زیبا خلق
گردید.

دعایمان این است: خداوندا اگر هر زمان او را به بهشت خواندی در ظلمت کدورت
چهارمی را همچو او نصیتمان گردان. آمین یا رب دعای خسته دلان مستجاب کن.
حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندانش گفت: من از لطف و کرم خداوند چیزی می‌دانم که شما
نمی‌دانید. از درگاه خداوند به جز کافر ناامید نیست.

علاوه بر پدر اُمی و استادان عالم سومین استاد حقیر این رویاست چیزهای نیاموخته را آموختمان و چنان در بستر آرامش شبانگاهان در آغوش می‌فشردمان که قضای فریضه بامداد را بجا نتوانستمی.

حال که قرار است به سفارش رسول خدا عدالت را در حق نسوان بکار گیریم یادی هم از کسی شود که به حکم قانون شریعت نامش را فاش نتوانمی‌الا اینکه هرکجا هست خدا یا به سلامت دارش.

چکند بینوا همین دارد

برگ بزیست تحفه درویش

ناسیونالیست‌ها را دگام بادرود درباره این شهر غلّو کرده و تمدن آن را چندین هزار ساله معرفی کرده اند. چیزی از این تمدن‌ها به چشم نمی‌خورد الا در خاک خفته گانش که به خاک مبدل و مخلوط گشته و و رویش چندین هزار ساله گشته پُر بی جا نگفته اند که به لحاظ آستان و بارگاه امام زادگار آقا علی عباس و شاهزاده محمد: در نمودارهای گردشگری چهارمین شهر زیارتی ایران انتخاب و معرفی شده است.

از این خاک باشد مرا آرزو

نیاکان من خاک گشته در او

سرمایه زها با ریش و ردایست

کاری نبود ساده تر از زهد فروشی

زمستان ۱۳۹۷

علی ترایان پور

۰۹۱۳۳۶۴۱۳۹۳

دقتر ۰۹۱۵۴۳۴۳۶۴۵